



عبدالاحمد فیض

قواعد ما کم برشناخت دولت!

موضوع شناخت دولت از سوی دولتهای دیگر از مباحث بنیادی در حقوق بین المللی معاصر پنداشته میشود، زیرا دولتهاست که بمثابة عالیترین شخصیت در حقوق بین المللی به نمایندگی از ملتهای خویش نظام بین المللی را شکل میدهد.

بحث شناخت دولت جدید، در حقوق بین المللی سنتی با در نظر داشتن نا محدود دانستن حق حاکمیت دولت در چهارچوب منافع منحصر به فرد دولت قدیم صورت می پذیرفت، بدین مفهوم که دولت ها از اختیارات کامل در حوزه صلاحیت و حق حاکمیت خود برخوردار بوده و میتوانست تا هر پدیده جدیدی بنام دولت را قطع نظرا از چگونگی حقوقی ظهورش و بدون در نظر داشتن نحوه رفتار دولت جدید با نظام بین المللی مورد شناسائی قرار دهد.

اما روشهای حاکم در شناخت حقوقی دولت جدید در حقوق بین المللی معاصر متحول لذا قواعد، اصول و دکترین معینی، آزادی در نحوه رفتار دولتها را در قبال تأمین مناسبات سیاسی و شناخت دولت جدید محدود نموده است، که به برخی محدودیت های حقوقی در زمینه پرداخته میشود:

۱- منع شناخت به تصمیم سازمان ملل متحد، لذا دولتها مکلف به رعایت منشور ملل متحد بوده و ایجاد ممنوعیت شناخت توسط سازمان ملل، اعضا را از شناخت دولتی که در تنازع و تقابل با اصول ملل متحد ظهور نموده است، باز میدارد.

۲- منع شناخت قبل از وقت، یعنی شناخت شورشیان داخلی که تسلط مؤثری بر قلمرو مشخص نداشته و اینگونه شناخت در تضاد به اصل احترام به حق حاکمیت دولت حاکم و مداخله صریح در امور غیر تعریف میگردد.

۳- منع شناسائی دولت جدید که بر پایه زور استوار است.

۴- منع استرداد شناخت.

کمیته حقوق بین المللی سازمان ملل متحد در اجلاس بروکسیل در سال (۱۹۶۳) تعریفی مشخصی از شناخت دولت بدین شرح ارائه داده است:

((شناسائی دولت جدید عملی است که بر مبنای آن دولتهای موجود در صحنه روابط بین المللی یک جامعه و یابک شخصیت نو ظهوری را که قادر است اصول بین المللی را رعایت نماید، در سرزمین معین تسلط کامل داشته باشد، برسمیت شناخته و موجودیت آنرا بمثابه عضو جامعه جهانی تصدیق نماید.))

با بذل توجه به تعریف فوق دولت جدید که نیازمند شناخت بین المللی است میبایست شروط ذیل را تکمیل نموده باشد:

۱- قلمرو یعنی دریک پهناى جغرافیای معین اعلام موجودیت نموده باشد.

۲- استقلال سیاسی داشته باشد.

ثبات داخلی: دولت جدید قادر به تأمین ثبات داخلی باشد.

۴- مشروعیت ملی.

۵- تعامل با جامعه بین المللی با رعایت هنجارهای بین المللی .

با امان به معیارها و پرنسیپهای نافذ در جامعه بین المللی، سناریوی شناخت رژیم طالبان بمثابه دولت در کجا قرار دارد، آیا اداره جدید شرایط حقوقی مبنی بر شناخت از سوی جامعه بین المللی را حائز است، حکومت طالبان به کدام چون و چرا ها بایست پاسخ دهد.

رژیم کنونی در مجموع افغانستان حاکم وقادر به اعمال حاکمیت است، این بدان معنی است که حاکمیت طالبان بیک واقعیت غیر قابل انکار مبدل شده است و تمام علایم یکدولت را با خود دارد، اما آنچه که با توجه به معیارهای جهانی که از آن به اختصار یادمانی گردید، مانع شناخت حکومت جدید میگردد، تعامل دولت طالبان با دنیای امروز با تمکین نمودن هنجارهای جهانیست، معیارهای که از اداره جدید رعایت بی تأخیر آنرا میطلبد، مانند، رعایت قوانین بین المللی استانداردهای حقوق بشری بویژه حقوق زنان و اقلیتهای قومی، پاسداری از ارزشهای حقوق مدنی و سیاسی شهروندان ، رعایت اصل منع تبعیض نژادی و جنسی و اقدامات عملی در جهت همکاری ثبات منطقی و جهانی، حکومت طالبان مسوولیت بین المللی دارند تا به جهان این اطمینان را ببخشد که دولت شان بپذیرش اصول جهانی وارد تعاملات بین المللی خواهند شد.

طالبان اداره ای را ایجاد کرده است که اقدامات زور و توسل بقوه ماهیت و کرکتر واقعی این ساختار را توصیف مینماید که این موضوع با عطف توجه به قواعد بین المللی منع استفاده از قوه در گرفتن قدرت سیاسی که در فوق وضاحت داده شد، مانعی در شناخت خواهد بود که دولت جدید بوضوح بدان مواجه است، نبود اداره ممثل قدرت همگانی و تمرکز قدرت بیک جمعیت خاص که نبود اصل مشروعیت داخلی را مطرح مینماید و هکذا در سطح داخلی منع حضور زنان در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی از موانعی پنداشته میشود که کسب مشروعیت بین المللی حکومت جدید را به مخاطره مواجه نموده است.

لازم به یادآوری است که قواعد بین المللی در زمینه تأمین مناسبات سیاسی که از شناسائی دولت جدید ناشی میشود، مبین موانع در شناخت دولت های است که در ورای اصول جهانی دولتی را ایجاد که شناخت آن از سوی یکدولت که مدعی رفتار مسولانه در عرصه بین المللی است، مسوولیت حقوقی دولت را مطرح خواهند نمود، لذا دوگانگی برسمیت شناسی واحدهای سیاسی نوین بنام دولت، به صورت دوژرو(قانونی) و دفاکتو(عملی) بر پایه همین منطق سیاسی و حقوقی استوار است تا دولتها با احتیاط لازم در شناخت قدرتهای مماثل گام بردارند، بگونه مثال شناخت دفاکتو یا عملی شناخت دائمی پنداشته نشده وعده ای از دولتها بدلیل

عدم اعتمادبیک ساختاری جدید، ازچنین روش استفاده نموده تا دقت لازم را به هدف جلوگیری از شرمساری ومسوولیت جهانی خود انجام داده باشد.

بدیهی است که هیچ دولتی قادر به تداوم حاکمیت و حیات سیاسی بدون مشروعیت ودرانزوای بین المللی نخواهد بود ونظام طالبان ناگزیر خواهند بود تا با رعایت اصول بین المللی راه را با توجه به منافع ومصالح ملی در راستای شناخت بین المللی خواهند گشود.

رویکردها:

چکیده ای ازبایسته های حقوق بین المللی(اثر دکتور موسی زاده)